

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۷ ه.ق - ده شب در مدینه)

۲۹ مهر ۹۴

خطبه‌ی شب هفتم

سلام بر قرآن کریم؛ معجزه‌ای که خود را بدون رقیب معرفی می‌فرماید تا بندگان را در پناه آیاتش به ملکوتی که از آن آمده‌اند بازگرداند. کتابی که زبان شیوایش قابل درک همگان است و ادعا کننده‌ای برایش یافت نمی‌شود؛ آفرینش را به توصیف می‌کشد و اعجاز عشق را نمایان می‌سازد نعمتش را شامل مؤمنین و غضب الهی را بر جان کافران مستولی می‌سازد. پرده از شیرین‌ترین مناجات برمی‌دارد و جان خلیفه را به زمینی تشبیه می‌کند که همواره در حال رویاندن نعمت‌های وجود است.

مولا و سرورمان عصاره‌ی هستی، وارث حقیقی پیامبر عظیم‌الشان حضرت محمد (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) و امامان برحق، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) چه زیبا و شیوا با کلماتی حکمت آموز قرآن کریم را توصیف فرمودند، قرآنی که هر روز و هر لحظه علم و حکمت و معرفت و عرفانش شکوفاتر و کلماتش رساتر می‌شود اما افسوس که امت مسلمان آن را مهجور کردند. قرآنی که بزرگ‌ترین معجزه‌ی الهی است و اجرا کنندگانش خلیفگان خداوند سبحان هستند، خلیفگانی همچون امیر مؤمنان علی (ع) و حضرت زهرای مرضیه (س) و فرزندان‌شان و در عصر کنونی امام عصرمان امام زمان (ع). اما مدعیان اجرای احکام قرآن با اصل و پایه‌ی آن یعنی امامت به ستیز برخاستند. در هر عصر و زمانی کینه و عداوت خود را با حيله و تزویر در رنگ‌های گوناگون به مردم عوام عرضه داشتند، که در عصر حاضر نیز نمونه‌های آن را می‌بینیم چون امام عصرمان به اذن و حکمت و رحمت الهی از نظرهای پلیدشان پنهان است، فتوا به کشتن شیعیان و منتظرانش می‌دهند آن هم در کنار کعبه که بهترین جایگاه‌هاست و سنگ‌های مسجدالحرام و کعبه با نفرت به آنان می‌نگرد.

اینک توصیف زیبایی از سرور عالمیان کوثر الهی حضرت زهرای مرضیه (س) برای شما مهمانان کوی عشق نقل می‌کنیم که فرمودند: اسرار قرآن کریم مانند آینه‌ای است که

خردمندان در آن می‌نگرند و چهره‌ی حق را از باطل تشخیص می‌دهند و حق را در آئینه‌ی وجودشان وارد می‌کنند و از باطل می‌گریزند. آنگاه که از قبر بر می‌خیزند انوار حق در آن‌ها جلوه می‌کند و تاریکی مفهومی را از دست می‌دهد، انوار وجودشان مانند قلمی می‌شود که اسرار درونشان را می‌نگارد و خوانندگان شروع به خواندن کتاب وجودش می‌کنند؛ آنچه را می‌خوانند ثنای الهی است پس آئینه‌ی حق را می‌آورند تا در آن بنگرد و بهشت الهی را تماشا کند. بهشت را می‌بیند، وارد آن می‌شود و آنچه زیباتر از بهشت است چهره‌ی اسرار قرآن کریم است پس آنگاه که ساعت‌ها به هم پیوند و زمان‌ها در هم شوند و شب و روز در فرمان آیند، منتظران حق از قبرها برخیزند به استقبال امر پروردگار کریم بشتابند و آنگاه مأموران الهی به آنان خطاب کنند: سلام بر شما، وعده‌ی الهی به تحقق درآمد و یاران و دوستان اهل بیت رسول الله (ص) گرد هم جمع شوند و بوی حق را استشمام کنند و پروردگار عالم ندا دهند: ای فرزند زمان، زمان دلگیری‌ها به اتمام رسد، به یاران پیوند و در سایه‌ی حق باطل‌ها را به فراموشی بسپار که ساعت معنای خویش را از دست داد و زمان برای یاران ثابت ماند.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) خطبه‌ی امشب را قرائت می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب هفتم

حمد، زینده‌ی درگاه پر عظمت خالق است که فرمود: نماز را برپا دارید و زکات مالتان را بپردازید. در پنهان و آشکار انفاق کنید تا آنچه را که پرداختید را نزد پروردگارتان ببینید؛ پروردگاری که خود به شما روزی داده و همان‌گونه که فرموده: اگر شب شما طولانی شود چه کسی است که روز را بیاورد و یا روزی که دیگر شبی را به دنبال نداشته باشد؛ تمام این نشانه‌ها اسراری را در آفرینش به خود اختصاص داده که

زبان قرآن کریم است؛ اگر توان عقلی انسان‌ها با این زبان شیرین آشنا می‌شد لحظه‌ای آن را از سینه‌اش جدا نمی‌کرد. کتابی که معجزه‌ی پیامبر (ص) است.

جان مطهرش گنجینه‌ای بود که درکش نیاز به عقلی برتر دارد ولی او به سادگی زیست و از آنچه دیگران خوردند او هم تناول کرد و با همان اجلی که فرمان قرآن کریم است از دنیا رحلت فرمود. تمام عمر شریفش جز حق نخواست و به همان راهی رفت که پروردگار فرمان داده بود اینک هزار و چهارصد و اندی سال از رسالتش می‌گذرد؛ امت‌هایی با اعتراف به توحید مسلمان شده‌اند؛ آمده‌اند و در میان ادیان‌های رنگارنگ زیسته‌اند. گروه انبوهی نشانی از خاندانش را به همراه ندارند پس در وادی این زمان پر خطر می‌آیند و می‌روند همانند سپاهی که اکنون با هزاران سودای در سر به طرف کوفه در حرکت است. از انتخابش راضی است زیرا از جنگ خسته است می‌رود تا در زیر سایه‌ی حکومت معاویه آسوده باشد.

امام حسن (ع) سؤال می‌فرماید: پدر، اگر اجازه بفرمایید من برای زیارت جدم مدتی به مدینه بروم. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: اگر کمی صبر کنی تا برادرت حسین به ما پیوندد بهتر است. امام اطاعت می‌کنند. کمی به کوفه مانده امام حسین (ع) به پدر می‌پیوندد. مولا می‌فرماید: خاطرات این جنگ خاطرات تلخی است که حوادث و مصیبت‌های زیادی را در خود پنهان نموده و کوفه مرکز این ویرانی است. امام حسین (ع) پدر را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: عمر شریفان در برقراری صلح و آرامش امت اسلام لحظه‌ای آسودگی را حس نکرد؛ پس از این با چهره‌ی هزار رنگ آنان کار بر شما دشوارتر است. مولا پاسخ می‌دهند: از کودکی آرزو داشتم تا سخنانم را به گوش‌های کبری که در اثر نادانی ناشنوا شده بفهمانم؛ در این راه تلاش بسیاری کردم ولی وعده‌ی قرآن کریم حق است پس باید همان‌گونه که پروردگار فرموده: ما منتظریم؛ ما نیز انتظاری را به جانمان تحمیل می‌کنیم که هرگز خواهانش نبوده‌ایم. امام حسین (ع) به طرف برادر گرامی‌شان می‌روند و می‌فرمایند: تأخیر من برای رسیدن به سپاه به سبب بیماری مالک کمی طولانی شد اکنون همه با هم وارد کوفه می‌شویم. مولا امیر مؤمنان (ع) به دروازه‌ی کوفه که می‌رسند می‌فرمایند: ای جان شیرین پدر، حوادثی برایت در این دروازه‌ی شوم رخ خواهد داد که ننگش صحرای

قیامت را به خشم خواهد آورد پس از این جنگ غمگین مباش؛ چهره‌ی دین جدت آن‌چنان تغییر خواهد کرد که باورش از جنگ صفین هم سخت‌تر است. امام حسین (ع) سؤال می‌فرمایند: ای کاش بعد از آن، شیرینی‌اش برای آیندگان باقی می‌ماند و آنان در سایه‌ی این شهد گوارا دینشان را حفظ می‌کردند. مولا می‌فرمایند: افسوس که تلخی کفر، جهان را در بر خواهد گرفت و در این تلخی شهدی شیرین همانند شما فرزندان رسول خدا در آن فضا تنفس خواهد کرد؛ عطر نفس مبارکش هزاران دانه‌ی در غلاف را به سخن در خواهد آورد و نام با برکتش تاریکی‌های دوران را به نوری افزون بر نور دیگر تبدیل می‌کند پس همگی او را به مدد می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج